

موسیقی درمانی در ترکمن صحرا (پرخوانی)

منصور مرادی*

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۲

چکیده

مقاله با بیان مختصری از تاریخچه موسیقی درمانی و تعریف و توصیف آن به شرح روش شناسی پژوهش و چگونگی استفاده از موسیقی در درمان بیماری‌ها می‌پردازد. در این بحث جنبه‌های عام و خاص تأثیرگذاری موسیقی در حواس انسان در سه سطح بررسی می‌شود. اول غالب بودن عواطف و حواس، دوم حضور عواطف و حواس و سوم آگاهی برتر که حاوی جنبه‌های بسیار قوی از روان درمانی می‌باشد. در ادامه به حوزه‌های رایج موسیقی درمانی در نواحی ایران شامل آیین‌هایی با پیشینه فرهنگ آفریقایی، آیین‌های متأثر از فرهنگ آسیای میانه (شامانیسم) و آیین‌های با منشاء ایرانی پرداخته می‌شود. در قسمت اصلی مقاله مطالعه میدانی پرخوانی در ترکمن

صحرا مورد بررسی قرار می‌گیرد که با ذکر سابقه تاریخی و روایت‌های مختلف این مراسم آیینی در منابع مختلف به بررسی مردم‌شناختی این آیین در میان ترکمن‌ها و مشخصاً به تحقیق در مورد اجرای آیین پرخوانی توسط رجب پرخوان به عنوان آخرین بازمانده آن می‌پردازد.

با شناخت و توصیف جزء به جزء مراحل پرخوانی، ابزار و آلات، مراجعه کنندگان و شیوه‌های اجرا در مراحل مختلف به بیان شناخت و کارکردهای موسیقی در این آیین می‌پردازیم. برای تعیین این کارکردها مطالعات میدانی ژرفانگر با روش‌های خاص خود از قبیل حضور مستقیم در زمین تحقیق، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه به همراه مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌جستن از نظریه کارکردگرایی (*Functionalism*) اساس کار پژوهش را تشکیل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: موسیقی درمانی، پرخوانی، ترکمن، آیین، مراسم، درمان‌گری، روان‌درمانی، کارکردگرایی.

مقدمه

از ابتدای تاریخ، بشر از موسیقی برای شفا استفاده می‌کرده است. در فرهنگ ابتدایی آفریقا و قبایل قدیمی آن "شامان"، رهبر موسیقی، طبیب و روحانی قبیله بود. شامان از موسیقی در ارتباط با معجزه و مراسم مذهبی برای خروج امراض از کالبد بیماران استفاده می‌کرد. شامان به وسیله مراسم و تشریفات توأم با ریتم طبل‌ها، زنگ‌ها، حرکات و مراسم مخصوص در رقص و خواندن سرود به هوشیاری و خود آگاهی جادویی^۱ می‌رسید، و جذب و خلأ حاصل از تغییر خود آگاهی، موجب شفا و رفع ناراحتی و بحران می‌شد. موزیک شناسان و انسان شناسان دریافته‌اند که هنوز در فرهنگ‌های بدوی، موسیقی همراه با مراسم شفا بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. (اشمیت پترز، ۷۱:۳۸)

در همه تمدن‌های کهن، موسیقی نه تنها یکی از شاخه‌های مهم علوم محسوب می‌شده، بلکه درباره جنبه‌های متافیزیکی و ارتباط موسیقی با جسم و روح و روان

انسان‌ها نیز نظرات شگفتی وجود داشته که بخش‌هایی از آن‌ها حتی به صورت مکتوب به دست ما رسیده است. در کانون‌های اصلی تمدن‌های باستانی (هند، چین، بین‌النهرین، مصر و ایران) جلوه‌های متافیزیکی موسیقی و تأثیرگذاری روانی آن، مهم‌ترین جنبه‌های موسیقی محسوب می‌شده است. این جنبه‌ها که در بیشتر موارد در هم تنیده شده‌اند و از آمیزش آن‌ها تأثیرات غایی و نهایی مورد نظر گرفته می‌شده است، در دو بعد کلی قابل تفکیک‌اند: جنبه‌های عام تأثیرگذاری موسیقی که حاصل از آن بهجت و سرور معنوی انسانی است، جنبه‌های خاص تأثیرگذاری موسیقی که اختصاصاً در حوزه‌های موسیقی درمانی قابل تبیین است. (درویشی، ۷۹: ۳۹ و ۴۰)

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله از روش‌های تطبیقی (مقایسه‌ای) و کار میدانی (روش ژرفانگر در مردم‌شناسی) بهره گرفته شد و فیش برداری (مطالعه کتابخانه‌ای)، روش‌های مشاهده منظم^۱ و مشاهده مستقیم یا همراه با مشارکت^۲، مصاحبه^۳، جمع‌آوری و مطالعه اسناد و مدارک و تهیه عکس و فیلم مردم‌شناسی انجام گرفته است. اساس و مبنای روش پژوهش در این مقاله بر کار میدانی (روش ژرفانگر) گذارده شد، و استفاده از مرجوعات و فیش‌های تهیه شده محدود به موارد لازم مانند تأیید مباحث نتیجه شده و توضیحات توصیفی از منظر مردم‌شناسی می‌باشد. تا از مطالعات کتابخانه‌ای و مطالب جمع‌آوری شده از مآخذ گوناگون به یک جمع‌بندی و تحلیل مردم‌شناسانه برسیم که برای انجام این کار پس از فیش برداری مطالب مستند و چاپی پرخوانی به انجام مصاحبه با شخص پرخوان، اطرافیان و دیگر مطلعین محلی پرداخته شد و با بکارگیری فن مشاهده مستقیم (یا مشاهده همراه با مشارکت)، تحلیل مطالب مربوطه صورت پذیرفت.

۱. observation systematique
۲. participant observation
۳. interview

موسیقی درمانی (تعریف، توصیف)

رشته موسیقی درمانی در حقیقت یکی از شاخه‌های علوم درمانی است که در آن "موسیقی درمانگر"، مانند پزشک که از دارو یا وسایل جراحی استفاده می‌کند، از موسیقی و فعالیت‌های گوناگون همراه با موسیقی به عنوان ابزار درمانی استفاده می‌نماید. (نعمت‌یان، ۷۸ : ۱۳۴).

موسیقی درمانگر

در مبحث موسیقی درمانی که دو جنبه موسیقایی و پزشکی در آن مطرح است، داشتن اطلاعاتی جامع برای درک و دریافت موسیقی، روانشناسی موسیقی، تئوری موسیقی، تاریخ موسیقی و همچنین شناخت دقیق جوانب مختلف جسمی و روانی انسانی از دیدگاه علوم فیزیولوژی (کارکرد صحیح اجزای بدن) و پاتولوژی (آسیب شناسی) برای موسیقی درمانگر الزامی است.

حوزه‌های رایج موسیقی درمانی در نواحی مختلف ایران

آیین‌های موسیقی درمانی در نواحی مختلف ایران را می‌توان از نظر پیشینه فرهنگی و تاریخی به چند بخش تقسیم کرد:

۱. آیین‌هایی که پیشینه آن‌ها را در فرهنگ‌های آفریقایی باید جستجو کرد. این آیین‌ها در اصل از آفریقا به نواحی جنوبی ایران آمده‌اند. با مهاجرت اجباری برده‌های آفریقایی به ایران، آیین‌های موسیقی درمانی آفریقا نیز به ایران راه یافت و به تدریج خود را با ویژگی‌های اقلیمی و اعتقادی ساحل‌نشینان جنوبی ایران سازگار کرد. در این انتقال و سازگاری، بسیاری از اساطیر و مقدسات آفریقایی جای خود را به اساطیر و مقدسات اسلامی - ایرانی دادند، به گونه‌ای که بعد از گذشت چند سده آیین‌های اجرا شده در سواحل جنوبی ایران، با حفظ ریشه اصلی شان، با اصل خویش تفاوت‌های بارزی یافتند

و در میان گروه‌های اجتماعی دیگر به جز بردگان رایج شدند. آیین موسیقی درمانی در بلوچستان وضع پیچیده‌تری دارد، زیرا یک پای آن در فرهنگ آفریقا و پای دیگرش در فرهنگ‌های نواحی شرقی آسیا (هند و پاکستان) و ایران است، ولی آیین‌های موسیقی درمانی در هرمزگان، بوشهر و خوزستان غالباً حاوی فرهنگ‌های آفریقایی - عربی هستند. این آیین‌ها را در نواحی جنوبی ایران با عنوان‌های مختلفی چون زار، نوبان، مشایخ، میوا، بادجن و... می‌توان مشاهده کرد. در بلوچستان به آن‌ها گواتی می‌گویند و نیروهای تسخیرکننده را با نام گوات می‌شناسند.

۲. آیین‌هایی که پیشینه آن‌ها را در مغولستان، آسیای صغیر و در تفکر شامان نیسم باید جستجو کرد. شمن، رهبر روحانی با گستره‌ای وسیع از وظایف مختلف در آیین شامانیسم بوده است. در این آیین، انسان‌ها شاهد و درگیر در جدال ارواح و نیروهای خیر و شر بودند و هر کدام در طبقات و مراتب مختلف و معینی از جغرافیای فلسفی شامانیسم قرار داشتند. در این چالش، انسان می‌کوشد که خود را به بالاترین طبقه یا مرتبه، یعنی تانگری برساند. راهنمای انسان برای رسیدن به چنین مرتبه‌ای، شمن بوده است. این آیین پس از گرویدن ترکمن‌ها (طوایفی از اغوزهای سابق) به اسلام، رنگ اسلامی به خود گرفت و با نام آیین ذکر یا پرخوانی (پری خوانی) به صورت‌های گوناگون به حیات خود ادامه داد. پرخوانان، بیماری‌های روحی و جسمی انسان‌ها که به علت چالش میان ارواح و نیروهای خیر و شر بوجود آمده بود را کاهش داده، درمان می‌کردند و می‌کوشیدند آن‌ها را فارغ از وظایف پرخوانان در ادوار بعد به اوزان‌ها (خنیگران) بسپارند و بخشی دیگر توسط پرخوانان تا چند دهه پیش تداوم یافت. در مراسم پرخوانی، موسیقی نقش محوری دارد. امروزه اگرچه از نحوه برگزاری آیین‌های شامانی توسط شمن‌های پیش از اسلام و پرخوانان پس از اسلام آگاهی دقیق نداریم، اما از چگونگی انجام مراسم پرخوانی توسط استادان متأخری چون مرحوم تایتی ایشان در گنبد کاووس و مرحوم کعبه ایشان در روستای ترکمن صحرا تا حدودی اطلاعاتی

در دست است. تنها پرخوان باقی مانده در فرهنگ ترکمن، رجب پرخوان در روستای یلی چشمه علیا از توابع گنبد کاووس است.

۳. آیین‌هایی که پیشینه آن‌ها را در فرهنگ‌های ایرانی باید جستجو کرد، آیین‌های موسیقی درمانی با منشاء ایرانی امروزه به کلی فراموش شده‌اند. در این میان مورد شاخصی که می‌توان به آن اشاره کرد، اجرای موسیقی برای درمان و تسکین پریشانی کسانی است که مورد حمله پلنگ قرار می‌گرفتند و تا چند دهه پیش در فرهنگ طبری و مازندرانی رایج بوده است. به جز مورد یاد شده، گروه‌هایی از خنیاگران هنوز نیز جدای از اجرای موسیقی، وظایف دیگری از جمله کشیدن دندان، ختنه و رفع بعضی از ناملایمات جسمانی را به عهده دارند. در این زمینه می‌توان به نقش چنگیان در ایل قشقایی و توشمال‌ها در ایل بختیاری اشاره کرد. وظایف درمانی این خنیاگران اگرچه همواره با موسیقی نیست، اما می‌توان حدس زد که در روزگار گذشته احتمال تطابق میان عمل و درمان و عمل خنیاگری در بین این گروه از خنیاگران وجود داشته و این دو نقش به تدریج از هم فاصله گرفته‌اند. (درویشی، ۷۹: ۶۶ و ۴۷).

مطالعه میدانی در ترکمن صحرا

پر خوانی یا پری خوانی

آیین‌های نمایشی که توسط شامان یا درمانگر به اجرا در می‌آید، گرچه در هر مکان، حالت خاص دارد، اما دارای ویژگی‌های عمومی است:

۱- در پاره‌ای از موارد و در نخستین مرحله، برای درمان بیماری از گیاهان و

داروهای درمانبخش

استفاده می‌شود.^۱

۱- این مورد درباره پرخوانی ترکمن صحرا صدق نمی‌نماید و داروی درمان بخش "رجب پرخوان" نوشتن انواع سه گانه دعا برای مراجعین می‌باشد که در ادامه مقاله ذکر خواهد شد.

۲- در مرحله بعد ایجاد فضای هیجانی و نمایشی سرشار از عملیات عجیب است که توسط شامان، و در پاره‌ای از موارد با همراهی حاضران، انجام می‌گیرد تا بیمار عقده‌گشایی کند. (اجرای این عملیات و حرکات، یعنی نمایش، بازی^۱ نامیده می‌شود. دقیق‌ترین نام را برگزیده‌اند. چرا که به درستی بازی بزرگسالان است)

۳- از عوامل مهم برای خلق فضای جذبه در چنین آیین‌هایی، موسیقی است. تا آنجا که اطلاع داریم در تمام آئین‌های نمایشی درمانی سنتی، موسیقی اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. گویا بدون این نوا شامان توانایی لازم نمی‌یابد و دیگران نیز نمی‌توانند به شور و جذبه برسند. از طریق ایجاد چنین فضایی، همگان به وجدی خاص دست می‌یابند و در کنار بیمار شفا یافته جمعیتی می‌سازند. و از آن پس است که بیمار جدید و قدیم، ناظران و حکیم همواره هوای چنین مجلسی را دارند. ۴- بیمار باید به درمانگر و روش معالجه او اعتقاد داشته باشد. ۵- و سرانجام چنین مجالس مفری برای سرگرمی و تمدید قوای ذهنی سایر اعضای جامعه است که برخی از آن‌ها خود قبلاً بیمار بوده‌اند، یا نیاز حضور در چنین مجلسی را دریافته‌اند.

اعمال و مراسم پرخوانی در منابع گوناگون

در این قسمت روایتی مکتوب از این مراسم آئینی، ذکر می‌نمائیم تا برای فهم بهتر این مراسم از منابع گوناگون بهره‌برده باشیم و در بخش بعدی مشاهدات نگارنده از این مراسم خواهد بود، به تغییراتی که در آن ایجاد شده پی برده و با این قیاس بتوان از حذف و اضافاتی که از گذشته تا کنون در این مراسم بوجود آمده آگاهی یابیم. اما

۱- در ترکمن صحرا نیز اعمال پرخوانی در میان مردم به "اویین" که در معنای بازی و رقص است معروف می‌باشد.

نکته‌ای که بدان باید اشاره کرد آن است که همین مراسمی که امروزه اجرا می‌شود و استاد محمد رضا درویشی از آن به عنوان "سرگرمی" نام می‌برد از چارچوب اصلی خارج نگردیده و پژوهشگر با مطالعه قبلی و اطلاعات کافی می‌تواند از حرکات پرخوان، ابزار آلات مورد استفاده پرخوان و از مصاحبه با پرخوان و مراجعین، کارکردهای آن را تشخیص داده و به تبیین آن پردازد.

و روایتی از دکتر محمد تقی مسعودیه استاد فقید اتنوموزیکولوژی در کتاب موسیقی ترکمنی: پرخوان خوانی (پری خوانی) مراسمی است به منظور بهبود بیماران روحی - روانی، و به عنوان نوعی رونکاوای سنتی قوم ترکمن، تداوم آیین شمنی از دوران قبل از اسلام است. مراسم پرخوان خوانی یا پری خوانی به وسیله پرخوان رهبری می‌شود. پرخوان مدعی است که از نیروی ماوراءالطبیعه برخوردار است و با الهام از این نیرو قادر است بیماران روحی - روانی را شفا بخشد. بدین ترتیب، پرخوان را می‌توان با شامان و بخشی مقایسه کرد. بخشی در گذشته دارای سه نقش یا وظیفه بوده است. پزشک، روحانی و موسیقی‌دان. در نتیجه، پرخوان خوانی، نوعی موسیقی درمانی محسوب می‌شود. چگونگی برگزاری مراسم پرخوان خوانی، آن گونه که موسی جرجانی توضیح داده به ترتیب زیر است:

پرخوان ابتدا با نواختن تامدثرا مراسم را آغاز می‌کند. شب قبل از مراسم و قبل از غروب آفتاب، آلاچیق را از هر گونه زیورآلات و سکنه خالی می‌کنند. بیمار روانی را بعد از اقامه نماز عشاء به گوشه‌ای از آلاچیق یا اتاق، همراه با دو نوازنده هدایت می‌نمایند. اگر بیمار، بی‌طاقتی و ناراحتی نشان دهد، او را با زنجیر محکم می‌بندند. پرخوان، پس از اقامه نماز با تازیانه‌ای بلند وارد اتاق بیمار می‌شود و از بدو ورود، نگاه غضب آلودی به اجاق و آتش آن که یک خنجر تیز و برنده و دو کفگیر گداخته در آن

۱- «... و سفری دیگر به "یلی چشمه علیا" و دیدار با "رجب پرخوان" آخرین پرخوان بازمانده سنت پرخوانی در ترکمن صحرا و دشت و شرکت در مراسم و آیین که رنگ باخته بود و بیشتر به سرگرمی شباهت داشت تا آیین!... (درویشی، ۷۷: ۹)

قرار دارند، می اندازد. آن گاه با همان حالت به بیمار نزدیک می شود و نزد او به صورت درازکش می خوابد. او به دو نوازنده تامدثرا که در طرفین بیمار نشسته اند دستور می دهد تا مقام کبدرم (کبوتر من) را در دستگاه نوایی اجرا کنند. نوازندگان آهسته شروع به نواختن می کنند. پرخوان نیز هماهنگ با اجرای آنها شروع به غلطیدن می کند. اجرا کنندگان به تدریج به ضربه های انگشت های خود سرعت می بخشند به حدی که پرخوان هر ضربه انگشت آنها را اصابتی به بدن خود احساس می کند. به محض اینکه اجرای مقام به مرحله اوج خود برسد، پرخوان با نعره ای ناگهانی و هولناک به پا می خیزد و شروع به داد و فریادهای وحشتناکی می کند و بعد از گذشت حدود یک ساعت، روحاً احساس آرامش می نماید و مانند پرنده ای سبک بال در داخل اتاق به پرواز در می آید. در این حالت است که پرخوان دنیای بیمار روانی را در وجود خود احساس می کند. از جمله اعمال خارق العاده پرخوان در این وضعیت بحرانی، ایستادن با پای برهنه روی یکی از کفگیرهای گداخته و لیسیدن کفگیر سرخ است. او خنجر داغ و برنده را از اجاق با یک دست بر می دارد و به طرف چشمان بیمار نشانه می کند و با دست دیگر تازیانه را محکم بر سر خود می کوبد. بعد از حدود دو ساعت، که اعمال خارق العاده به نقطه اوج خود می رسد، پرخوان آرامش می یابد و بار دیگر در برابر بیمار دراز می کشد. عقیده بر این است که پرخوان، با ترک دنیای بیمار، او را نیز به دنیای خود هدایت می کند.^۱ بدین

۱- به نظر می رسد بتوان برخی از حرکات پرخوان را در ارتباط با اعمال درمانگری مبتنی بر جادوی هومیوپاتیک (قانون شباهت) که جیمز جرج فریز در کتاب شاخه زرین ذکر نموده تفسیر نمود: یکی از بزرگترین مزیت های جادوی هومیوپاتیک آن است که مداوا به عوض بیمار روی شخص درمانگر انجام می گیرد و بیمار در عین آن که همه ناراحتی و درد از تنش دور می شود شاهد عذاب کشیدن طیب خود است. مثلاً، روستاییان پرشه در فرانسه به تصور این که به قول خودشان از بند جدا شدن و پایین افتادن شکم بیمار موجب استفراغ مداوم گشته است درد می کشند. در این طور مواقع طبیعی می آورند تا شکم را به سر جای خود برگرداند، و پس از شنیدن علائم بیدرنگ به زمین می افتد و از درد به خود می پیچد و عذاب می کشد که گویی شکم را دوباره جا می اندازد و بیمار احساس آسودگی می کند. طیب دایاک نیز به همین نحو وقتی بر سر بیماری خوانده می شود به زمین می افتد و تظاهر به مردن می کند. او را مثل جنازه ای در حصیری می پیچند، از خانه بیرون می برند و روی زمین قرار

ترتیب، در گذشته حدود نود درصد بیماران روحی - روانی معالجه می شده‌اند. برخی حتی معتقدند که پرخوان خوانی، پایه و اساس نمایش هنری ذکر خنجر در دوران قبل از اسلام محسوب می‌شود. با توجه به این نظریه، پرخوان معتقد است که اجنه و ارواح پلید، روان بیمار را به اسارت خود در می‌آورند: از این رو لازم است که روح او را از زندان اجنه آزاد کرد تا بتواند دوباره به زندگی عادی و روزمره خود ادامه دهد.

در دوران قدیم، دختران دهکده نیز به هنگام اجرای مراسم پرخوانی، با صدای بلند هم خوانی می‌کردند و از خداوند می‌خواستند تا ارواح پلید واجنه را طرد کنند. از این سنت غنی دوران گذشته، امروز فقط رجب پرخوان در ترکمن صحرا به یادگار باقی مانده است. رجب پرخوان در اجرای مراسم پرخوان خوانی، سنت‌های گذشته را، مانند بهره‌گیری از شمشیر و کفگیر گداخته، اعمال خارق العاده و غیره، همچنان به کار می‌گیرد. در گوشه اتاق او پرده‌ای نصب شده و او معتقد است که سپاه اجنه و ارواح پلید در پشت این پرده قرار دارد. شکی نیست با در گذشت رجب پرخوان، سنت غنی پرخوان خوانی روبه فراموشی خواهد گذاشت.

مشاهده میدانی مراسم پرخوانی

مطالب زیر حاصل دو مشاهده از مراسم پرخوانی رجب پرخوان با فاصله زمانی چند ماهه است. اولی در تابستان ۷۸ و دیگری در ۲۳ دیماه همان سال، هر دو بار نیز شب جمعه را انتخاب نمودیم تا بتوانیم تمامی اقدامات درمانی متنوع وی را شاهد باشیم. رجب دردی زاده ملقب به رجب پرخوان، پیرمردی ۸۳ ساله^۱، ساکن روستای یئل چشمه که از گنبد کاووس حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. هنگامی که برای بار اول ملاقاتش نمودم چشمان نافذش حس غریبی در درونم برانگیخت، حسی که

می‌دهند. پس از حدود یک ساعت طبیبانی دیگر مرد به ظاهر مرده را خلاص می‌کنند و به زندگی بر می‌گردانند و با شفا یافتن او تصور این است که بیمار نیز شفا می‌یابد. (جرج فریزر، ۱۳۸۳: ۹۲ و ۹۳)
 ۱- تاریخ تولد ایشان ۱۳۰۶ می‌باشد.

باعث می شد تا در درون چشمانش به خیرگی بنشینم. اولین ملاقاتم در یکی از شب‌های مرداد ۷۸ در بازگشتش از نماز عشاء در مسجد کنار منزلش - خودش مسجد را ساخته و امام مسجد نیز خودش می باشد - بود.

رجب پرخوان کهنسالی افتاده، خاضع و خوش برخورد است. با قد و هیكلی متوسط و متناسب، با دستار سفیدی بر سر و چشمان آبی رنگ نافذی که شاید علامت مشخصه پرخوانی را در ظاهرش بتوان در آن جست. وی آرام و پرطمأنینه است، به صحبت‌های با دقت گوش می دهد، همچنین به صحبت‌هایی که مراجعین (اعم از بیماران روحی و جسمی و یا همراهان آنها) با وی دارند، وی از این لحاظ در چند برخورد اولیه شخصی مجذوب کننده جلوه می نماید. رجب پرخوان به مانند اکثر روستانشین‌های دیگر شخصی مهمان نواز است بخصوص اگر بداند که از راه دوری به دیدارش آمده‌ای و برایش تفاوتی ندارد که به عنوان معالجه شونده باشی یا نظاره گر و یا پژوهشگر.

وی هم اکنون از شادابی و سلامت جسمی مطلوبی برخوردار است. منتهی چندان سخنور نیست، و پاسخ سوال‌ها را با چند کلمه خلاصه می کند و گاهی توضیحاتی می دهد که چندان با موضوع صحبت و سوال سنخیت و ارتباط ندارد و در طول صحبت برخی جملات را به کرات تکرار می نماید. این معضل یکی از مشکلاتی است که در تحقیق پرخوانی داشتیم چرا که ما را از شنیدن، راهنمایی و درک درست از اعمال پرخوان محروم می ساخت. هر چند فرزندان و یا اطرفیانی که مدت زمان بیشتری با وی بودند ما را در این راه یاری رساندند ولی ناگفته پیداست که توضیحات و گفته‌های شخص پرخوان ارزش و اعتبار بیشتری برایمان داشت.

رجب پرخوان یتیم به دنیا می آید، و حالات پرخوانی را از دوران کودکی حس و تجربه می نماید، این وقایع را بدون ویرایش از زبان خودش بشنویم:

"من یک ماه بعد از فوت پدرم متولد شدم. بنابراین پدرم را ندیده‌ام، در کودکی مشغول تحصیل بودم که اولیائی^۱ در قالب یک پیرمرد بر من ظاهر گشت. مدتی بعد از این واقعه، من در حال مطالعه و خواندن بودم که متوجه شدم آن اولیاء از پنجره در حال گوش دادن به خواندن من است."



تصویر ۱- رجب دردی زاده ملقب به "رجب پرخوان"

مکان: منزل رجب پرخوان در روستای یئل چشمه، (۲۳/۱۰/۷۷)

بنا به گفته نزدیکان، رجب پرخوان حدود ۶۰ سال است که مشغول انجام مراسم پر خوانی است، او درباره اجازه آغاز به کار پرخوانی می‌گوید:

"بعد از گذشت مدتی طولانی همان اولیاء نزد آمد و کمرم را مالش داد و گفت که نزد "تکیه بابا"^۱ اقامت گزینم، در شب هفتم اقامت بود که اولیاء مذکور به خوابم آمد و با ذکر توصیه‌هایی به مضمون زیر اجازه پرخوانی مرا صادر نمود:

فرزندم ؛

- دروغ نگو
- درست باش و با خلوص نیت کار کن
- خودت را چیزی بیش از "سبب خوان" معرفی ننما^۲
- دستمزد تعیین نکن، هر چه دادند قبول کن
- هر که دستمزد کم دهد، ثواب بیشتری را نصیبت خواهد کرد
- در راه خدا کار کن

سپس نحوه انجام مراسم پر خوانی، از قبیل طریقه شمشیر زدن، کفگیر زدن، چرخیدن با طناب، به حالت جذبه و شیدایی رسیدن و ... را به من آموزش و الهام داد.

امروزه ترکمن‌ها به مراسم پرخوانی که رجب پرخوان انجام می دهد "اویین"^۳

می گویند،

"اویین" در زبان فارسی به معنای بازی و رقص می باشد.

۱- زیارتگاهی است که در ۴۰ کیلومتری شرق گنبد کاووس قرار دارد. هم اکنون بسیاری از بیماران به این زیارتگاه رفته و در آن بست می نشینند و معتقدند که تکیه بابا، قدرت شفا دهی داشته و آن‌ها را معالجه خواهد نمود. و پرخوان نیز از آنجا به مقام پرخوانی نایل گشته ، و اغلب درمانگران بومی منطقه مدعی اند که با اجازه از تکیه بابا به این مقام رسیده اند.

۲- یعنی پرخوان، خود مستقیماً قدرت شفا بخشی نداشته و فقط به عنوان یک واسط در درمان بیماری‌ها عمل می نماید . واسطه بین ارواح و لشکر اجنه نیکوکار که قصد دارند ، ارواح پلید را از جسم و جان بیمار پریشان حال، خارج سازند. چرا که معتقدند همه افراد قدرت رو در رو شدن با اجنه و ارواح را ندارند و فقط افرادی که به مرتبه پرخوانی رسیده‌اند بدون مواجه شدن با عوارض آن با آن‌ها مواجه گشته و به این کار مبادرت می‌ورزند.

در این قسمت به اختصار شرحی از چگونگی انجام مراسم ذکر شده و در ادامه مطلب هر یک از حرکات پرخوانی، ابزار آلات، اقدامات معالجه گرانه، رابطه موسیقی با آن و کارکرد هر کدام تشریح خواهد شد.

همان طور که می‌دانیم در گذشته این مراسم در درون آلاچیق انجام می‌شده است. امروزه، پرخوان این مراسم را در یکی از اتاق‌های منزلش انجام می‌دهد. بیماران و مراجعه‌کنندگان دور تا دور اتاق نشسته و پرخوان در وسط اتاق به اجرای برنامه می‌پردازد. طناب در وسط اتاق از سقف آویزان است و توبره^۱ پرده مانند در سمت راست آن و به دیوار متصل است. پرخوان به هنگام اجرای برنامه در وسط اتاق و ما بین طناب و توبره^۱ پرده‌ای (پشت به پرده) می‌شود و با به صدا در آوردن نوای موسیقی حرکات رقص گونه وی نیز آغاز می‌گردد که شامل حرکات موزون دو شانه چپ و راست می‌باشد. پس از مدتی بلند شده و به طرف توبره پرده‌ای رفته و لحظاتی در آنجا مکث می‌نماید و سپس از طناب آویزان شده و چرخ زدن‌های خود را شروع می‌نماید. پس از چرخیدن دوباره به طرف توبره رفته و بعد از آن اعمال درمانی خود را بر روی بیماران با شمشیر، دو قطعه چوب باتوم مانند و کفگیر گرم شده انجام می‌دهد و در نهایت در انتهای برنامه نیز با دو دست خود افراد را متبرک نموده و آقلیق^۱ خود را هر مبلغ که دادند دریافت می‌نماید. پس از آن پرخوان با خواندن دعا و آمین حضار، مجلس را به اشاره دست به لشکر اجنه - اشاره برای رفتن و مراجعت می‌باشد - ترک می‌نماید. پس از خروج از اتاق مراسم، به اتاق دیگری رفته و در آنجا برای افرادی که خواهان دعا می‌باشند یک یا چند نوع از انواع سه گانه دعا را برای آن‌ها نوشته و دستورات لازم برای استفاده را می‌گوید.

ابزار مورد استفاده پرخوان در مراسم پرخوانی:

کفگیر: به گفته پرخوان برای درمان درد و ناراحتی دست‌ها و پاها موثر است و در معالجه افراد معلول نیز می‌تواند مفید واقع شود.

گروهی از لشکر اجنه پرخوان، به گروه آتش پرست معروف هستند، به همین سبب کفگیر را در آتش اجاق گذارده و آن را به صورت گداخته در می آورند. پرخوان معتقد است فردی که دچار پا درد یا ناراحتی دست شده جن یا ارواح پلید باعث آسیب به دست و پای او شده‌اند و یا این که در آنجا نفوذ نموده‌اند. به همین سبب پرخوان با کفگیر گداخته در آتش به آن قسمت از بدن که درد دارد می‌زند تا با کمک گروه اجنه آتش پرست روح یا اجنه پلید از آن قسمت از اعضای بدن خارج شده و باعث معالجه بیمار شود. امروزه به جای کفگیر گداخته از کفگیر داغ شده در بخاری نفتی استفاده می‌نمایند.



تصویر ۲ - ابزار مورد استفاده پرخوان

از راست: کفگیر، شمشیر، چوب، منزل رجب پرخوان - روستای یئل چشمه،

شمشیر: برای معالجه افرادی که دچار بیماری‌های روحی و روانی هستند کاربرد دارد. در هنگام اجرای مراسم، پرخوان شمشیر را به دو طرف گردن بیمار می‌کشد. این عمل برای افرادی که دچار بیماری‌های روحی - روانی هستند اجرا می‌شود و پرخوان معتقد است در کالبد این گونه افراد ارواح پلید رسوخ کرده و با این عمل آن‌ها، ترسیده و از بدن وی خارج می‌شوند و در نتیجه بیمار سلامتی خود را باز می‌یابد.

چوب: دو قطعه چوب به شکل باتوم بوده ولی از آن کوتاه‌تر است. پرخوان پس از گذراندن شمشیر بر روی گردن بیمار به این دو قطعه چوب ضربه تقه مانندی بر روی شمشیر می‌زند. معمولاً شمشیر را خود پرخوان بر روی گردن افراد گذاشته و ضربه را پیشکار وی می‌زند. این عمل بر روی تمام اشخاص حاضر در مراسم بدون استثناء اجرا می‌شود.

توبره پرده‌ای: پارچه‌ای است که از چهار گوشه به دیوار آویزان است. بیماران موظفند که نشانی از خود مانند تکه‌ای پارچه از لباس، عکس و ... را در داخل آن بیندازند. در طی اجرای مراسم پرخوان چندین بار به طرف توبره رفته و لحظاتی را در آنجا درنگ می‌نماید. پرخوان معتقد است که لشکر اجنه در اطراف توبره تجمع می‌نمایند و این عمل برای آن است که نوع بیماری و راه معالجه افراد را از اجنه سوال نماید.



تصویر ۳- ابزار مورد استفاده پرخوان

توبره پرده‌ای، منزل رجب پرخوان - روستای یئل چشمه، (۲۳/۱۰/۷۸)

نظر پرخوان درباره نقش اجنه در اجرای مراسم :

رجب پرخوان می‌گوید : لشکرهای بسیاری از اجنه وجود دارند که از نظر نحوه عمل و دستورالعمل تفاوت دارند و پرخوان مجبور است که طبق توصیه گروه اجنه مشاهده شده عمل نماید . به طوری که در یکی از مراسم ناگهان به طرف درب چوبی اتاق حرکت نموده و پس از برخورد شدید دوباره به ادامه مراسم می پردازد.

همچنین علت حرکات رقص گونه پرخوان را به دلیل برخورد مستقیم لشکر اجنه با شخص پرخوان می دانند . در هنگام اجرای مراسم وسایلی وجود دارند که نباید همراه بیماران و دیگر حضار مجلس وجود داشته باشد، مانند اشیاء تیز و برنده مثل تیغ، چاقو، دعا، مدفوع و نجاست . همچنین افرادی که به مجلس می آیند باید از عدم جنابت بدن خود مطمئن باشند.

نکته دیگر آنکه افراد غیر معتقد نباید به این مجلس وارد شوند. رجب پرخوان مثال‌هایی از افرادی که با بی اعتقادی به اعمال پرخوانی، سخنان تحریک آمیز بر علیه او زده بودند را بیان می کند که با مشکلات و عقوبت‌هایی مواجه شده بودند.^۱

نحوه و مراسم درمان گری پرخوان :

بیماران بدنی یا روانی که نزد رجب پرخوان می‌آیند، در بدو ورود بایستی نشانه‌ای از مریض مثل تکه‌ای از پارچه لباس، یا روسری و یا عکسی از وی را در داخل توبره

۱- مانند آی دوغدی آخوند - یکی از روحانیون اهل سنت منطقه ترکمن صحرا - که پرخوان معتقد بود لشکر اجنه وی آن بلا را سر وی آورده بودند . قضیه از این قرار است که چند سال پیش شایعه‌ای مبنی بر آتش گرفتن منزل آی دوغدی آخوند در افواه جاری گشت. بدین طریق که آتش در یک گوشه منزل شعله ور می شود . هنگامی که آن را خاموش می کردند از گوشه دیگری سر می کشید ، رجب پرخوان مدعی است که آی دوغدی آخوند منکر پرخوانی وی بوده و رفتن نزد او را دارای حرمت شرعی می دانسته است . بنابراین لشکر اجنه وی او را به این حال و روز در آورده بودند ! وی گفت که ۷۰ لشکر از اجنه دیگر نیز اجازه رفتن خواستند که من به آنها این اجازه را ندادم چرا که نمی خواستم و نمی خواهم که آسیبی به شخصی وارد بیاورم.

پرده‌ای بیندازند، سپس منتظر اقدامات و جواب پرخوان بمانند تا وی نوع مریضی وی را با دریافت علائمی از لشکر اجنه، - بدین وسیله که هنگام اجرای مراسم پرخوانی، پرخوان چندین بار به نزدیک توبره رفته و وضعیت بدنی، روحی و بیماری تک تک بیماران را از اجنه و آل‌های خود دریافت کرده - مشخص و اقدامات استعلاجی و درمانی وابسته به نوع بیماری را انجام می‌دهد،^۱ و در پایان مراسم پرخوانی و هنگام دعا نویسی، پرخوان به مریض‌ها و مراجعین جوابی که از لشکر اجنه خود گرفته را به بازگو می‌کند.



تصویر ۳ - طناب در حالت بسته بودن، منزل رجب پرخوان، روستای ٹیل چشمه،

(۷۸/۱۰/۲۳)

۱- همان طور که گفته شد اگر مریض پا درد داشته باشد با کفگیر به پای برهنه وی ضرباتی می‌زند، اگر ناراحتی گلو داشته باشد اغلب اوقات تکه نم‌د یا تکه‌ای مواد زائد را از گلوی وی خارج می‌نماید، اگر بیمار مشکل روحی و روانی داشته باشد، به دو طرف گردن بیمار شمشیر می‌کشد و یا به گوشه دو چشمش شمشیر فرو می‌نماید.



تصویر ۴- قولونگ یا طناب که از سقف محل اجرای مراسم پرخوانی
آویزان است، منزل رجب پرخوان روستای یئل چشمه

بدین صورت که اگر از دستش کاری بر بیاید به آنها اظهار امیدواری می‌دهد و طول مدت زمانی که بایستی در آنجا بمانند را مشخص می‌نماید و به برخی که نمی‌تواند آنها را معالجه کند می‌گوید تا چاره‌ای دیگر اندیشند.

دعا نویسی پرخوان :

رجب پرخوان بنا به نوع بیماری اقدام به دعانویسی می‌نماید. رجب پرخوان مدعی

است که، انواع دعا را طبق دستورات یک آل که او را " آل رفیق خود " می‌نامد، می‌نویسد. انواع دعا عبارتند از :

۱. اتصالی : بدین معنی که شخص بایستی آن را به قسمتی از لباس و پیراهنش سنجاق کند یا بدوزد.

۲. نوشیدنی : این نوع دعا را شخص گیرنده بایستی در مایع نوشیدنی خود حل نموده و بیاشامد.

۳. دودی : این دعا باید سوزانده و دودش توسط شخص گیرنده دعا استنشاق شود.

نمونه‌هایی از انواع اقدامات معالجه گرانه پرخوان :

الف - درمانگری روانی :

- فردی را از روستاهای آزادشهر^۱ نزد پرخوان آورده بودند که دچار اختلالات روانی شده بود. وی در بدو ورود به اتاق پرخوان به روی همه اشخاص لبخند زده و خنده سر می‌داده است. رجب پرخوان از وی می‌خواهد تا سه شبانه روز در آنجا بماند. در این سه شبانه روز، پرخوان، با اجرای اعمال و مراسم پرخوانی کار درمانی خود را انجام می‌دهد و بنابه گفته شاهدان، آن مریض موقع مراجعت از حال طبیعی و سلامت روانی برخوردار می‌شود.

- سرباز وظیفه‌ای از روستای قازانقایه^۲ که به تازگی خدمت سربازی را به اتمام رسانده و برای تسویه حساب و اخذ کارت پایان خدمت می‌خواسته به کردستان - محل خدمت - مراجعت نماید، به یکباره دچار ناملایمات روحی و روانی می‌شود،

۱- شهرستان آزادشهر در ۱۵ کیلومتری جنوب شهرستان گنبد کاووس واقع است.

۲- (Qazen - Qayeh) : روستایی واقع در شهرستان کلاله که در ۱۲۰ کیلومتری گنبد کاووس واقع است.

این شخص در هنگام آمدن نزد رجب پرخوان از عدم تعادل شدیدی رنج می‌برده طوری که در شب اول می‌خواست آب جوش روی بخاری را به روی دیگر مراجعین و بیماران بریزد. پرخوان مانند مورد پیشین از وی می‌خواهد که سه شبانه روز بماند. در این سه شبانه روز با انجام مراسم پرخوانی و کمک از لشکر اجنه خود، حال وی را بهبود بخشیده و بنا به گفته شاهدان در هنگام مراجعت وی از حال طبیعی برخوردار بوده است.

- شخصی که همسرش دچار حمله‌های عصبی می‌شده می‌گوید: هنگامی که همسرم را نزد پزشک می‌برم، می‌گویند دچار بیماری اعصاب است و دارو تجویز می‌کنند، اما با مصرف داروها هیچ‌گونه بهبودی نمی‌دیدیم، اما هنگامی که اینجا (نزد پرخوان) می‌آوریم لااقل تا مدت مدیدی (حدود ۶ ماه) از حمله‌های عصبی خبری نیست. و در این مدت از حال مطلوبی برخوردار می‌شود.

ب - درمانگری جسمانی:

- در طول اجرای مراسم پرخوانی، پرخوان تکه‌ای مواد زائد (تکه‌ای نمد) را از گلوی فردی که ناراحتی گلو داشت خارج نموده و به دستش داد، وی بعد از اینکه آن ماده زائد را دید احساس آرامش و سلامتی می‌نمود و معتقد بود که تاثیر پرخوان از پزشک‌ها نیز برایش بیشتر و بهتر است و تجربه برایش ثابت نموده که بعد از مراجعت از نزد پرخوان تا چندین ماه از ناراحتی و درد گلو خلاصی می‌یافت.

- پیرمردی که ناراحتی خود را بی‌خوابی می‌دانست و مدعی بود که حدود یک ماه است خواب به چشمانش نیامده اما با دعای نوشیدنی پرخوان و همچنین انجام مراسم پرخوانی در طی سه شب سلامتی خود را باز یافته است.



تصویر ۵- مراجعین به رجب پرخوان، سمت راست: پیرمرد دچار بیخوابی و ...
منزل رجب پرخوان - روستای یئل چشمه، (۲۳/۱۰/۷۸)

ج- نوع خاصی از معالجه گری

- درمان عارضه زناشویی همسران (ارهلی یه آچماق):^۱

برخی زن و شوهرها و یا عروس و دامادهای جوان از بدو و یا پس از گذشت مدتی از ازدواجشان قادر به انجام اعمال زناشویی نمی‌شوند و معتقدند که بد خواهان به آن‌ها دعا داده و آن‌ها را به اصطلاح بسته‌اند، که به این حالت در اصطلاح محلی "بگلنمک"^۲ می‌گویند. چنین اشخاصی غالباً به نزد رجب پرخوان مراجعه می‌نمایند و در اکثر موارد نیز معالجه می‌شوند. بنابه اظهارات یکی از نزدیکان پرخوان زن و شوهری را بد خواهان بسته بودند و چند ماهی می‌شد که آن دو قادر به نزدیکی نبودند تا اینکه پس از سه روز ماندن در نزد پرخوان، اجنه دعایی را که به وسیله آن، این دو را جادو نموده بودند در زیر نمذ گذارده و رفته بودند. در شب سوم اقامت آن‌ها دعا را از زیر نمذ گرفته

۱. Ar Heley Achmaq

۲. Beglen - mek

و نشان آن‌ها می‌دهد، مشاهده می‌شود که چهار گره به آن بسته بودند. اغلب این گونه افراد از معالجه پرخوان رضایت داشته و بدین طریق مشکل زنا شویی خود را حل می‌نمایند.

شرایط استمرار خصائل پرخوانی :

رجب پرخوان بیش از ۶۰ سال است که به پرخوانی اشتغال دارد. به گفته نزدیکان پرخوان شرط استمرار و برجای ماندن ویژگی‌های پرخوانی و قدرت لازم برای انجام اعمال پرخوانی درستی در کار و تقوا و پرهیزکاری در عمل است. چرا که در طی ۴۰، ۵۰ سال گذشته شاید حدود ۲۰ پرخوان ظهور یافته اند که به دلایلی چون عدم پرهیزگاری، به دنبال ثروت بودن و تعیین حق الزحمه‌های کلان و... شرایط لازم برای ادامه پرخوانی از آن‌ها ساقط شده و مردم نیز از آن‌ها روی گردانده‌اند. بنابراین یکی از دلایل تداوم کار پرخوانی، "رجب دردی زاده" مبرا بودن وی از این گونه اعمال، خلوص نیت و عدم تعیین حق الزحمه از سوی وی است.

از بین پرخوان‌های کنونی، رجب پرخوان فقط پرخوانی را که در بین ترکمن‌های شمال خراسان وجود دارد، واقعی می‌داند و معتقد است که اجازه پرخوانی به وی الهام شده است. پرخوان مزبور نیز مانند رجب پرخوان در زیارتگاه تکیه بابا اقامت گزیده و اجازه پرخوانی یافته است. از پرخوان‌های قدیمی می‌توان به ساری پرخوان، ابراهیم ایشان و نظر محمد ایشان اشاره کرد.

چرخ زدن^۱ یا چرخیدن :

۱- صوفیان مراسم سماع را با چرخ زدن و کوبیدن پای بر زمین انجام می‌دهند و گفته شده است که مولانا وقتی به وجد می‌آمد با گفتن "هی" پای بر زمین می‌کوبید و چرخ میزد. در سماع قونیه نیز هنگام چرخ زدن پای چپ ثابت در یک نقطه و پای راست بلند می‌شود و همراه با چرخ درویشان دوباره بر زمین فرود می‌آید. چرخ از چپ به راست به دور محور قلب گویای این معناست که از چهار گوشه جهان و کلیه مخلوقات روی زمین را در آغوش عشق و محبت خود پذیرا هستند. (همشهری، ۷۵: ۹)

چرخ زدن هنگامی باید صورت گیرد که "آل مخصوص" اجازه کار را صادر نموده باشد. جهت چرخیدن از چپ به راست است. پرخوان این عمل را بلافاصله بعد از دخول به عالم شیدا و از خود بیخودی انجام می‌دهد.

اکنون رجب پرخوان به دلیل کهولت سن قادر به چرخیدن سریع و طولانی نمی‌باشد اما بنا به گفته دیگران، رجب پرخوان در هنگام جوانی چرخش‌های بسیار سریع داشته و حتی قادر بوده شخص دیگر را نیز با پاهای خود قلاب کرده و همراه خود بچرخاند.

موسیقی و پرخوانی:^۱

می‌توان وجه مشخصه مراسم پرخوانی را چه در اجرا و چه در تاثیر بر شخص پرخوان، در موسیقی و نوای ساز دوتار دانست. پرخوان مراسم خود را با موسیقی شروع و با آن به پایان می‌رساند. از ابتدا تا انتهای مراسم آوای موسیقی در فضای مراسم طنین‌انداز است، و اگر این نوا قطع شود پرخوان نیز مراسم را نیمه‌کاره رها می‌کند. پرخوان با نوای موسیقی از خود بیخود شده^۲ و به حالت شیدایی می‌رسد همچنین با

۱- غزالی در کتاب کیمیای سعادت برای تاثیر فراوان موسیقی در ایجاد خلسه روحانی و شور مذهبی هفت دلیل می‌آورد. بر پایه باور او، موسیقی برای نیایش درست، وسیله اصلی به شمار می‌آید. به وسیله موسیقی است که صوفی در خود شور پرستش خدا را به غلیان می‌آورد و به خلسه و اشراق می‌رسد و به ناگاه دلش در شعله آتش این کوره به پاکی نقره می‌شود و خلوص پیدا می‌کند. خلوصی که هرگز تنها با ریاضت خشک به دست نخواهد آمد. آن گاه که صوفی به پیوند خود با جهان روحانی آگاه می‌شود و هوشیاری خود را نسبت به این جهان خاکی از دست داده و به مدهوشی می‌افتد (بهانو، ۷۸: ۵۹).

۲- صوفیان این نوای موسیقی را پیک عالم غیب می‌دانند که پیش از آمدن به این عالم آن را شنیده و به آن خو گرفته‌اند. از عارف معروف "جنید" پرسیدند: "سبب چیست که شخص آرمیده با وقار ناگاه‌اوازی می‌شنود، اضطراب و قلق در نهاد او می‌افتد و از او حرکات غیر معتاد صادر می‌شود؟ گفت: حق تعالی در عهد ازل و میثاق اول با ذرات و ذریات بنی آدم خطاب (الست بربکم) کرد. (آیه ۱۷۱ سوره اعراف) روز الست روزی است که خداوند از ارواح فرزندان آدم پیمان گرفت که: آیا من خدای شما نیستم؟ گفتند: آری حلاوت آن

ملودی خاصی^۱ است که اگر در حین اجرای مراسم از هوش برود به حالت طبیعی باز گشته و مجدد به اجرای مراسم می پردازد.



تصویر ۶ - دوتار رجب پرخوان، منزل رجب پرخوان - روستای یئل چشمه،

(۷۸/۱۰/۲۳)

خطاب عذوبت آن کلام در مسامع ارواح ایشان بماند، لا جرم هرگاه که آوای خوش بشنوند، لذت آن خطابشان یاد آید و به ذوق آن در آیند» (همشهری، ۷۵: ۹).

۱- مشاهده نگارنده مبین آن است که پرخوان در اواسط برنامه که از حال رفت اطرافیان با آوا و نوای مقام " زلفینگ" (به معنای زلفانت) پرخوان را به حالت عادی اجرای مراسم باز گرداندند.

رجب پرخوان خود نیز قادر به نوازندگی چند مقام از مقام‌های کهن موسیقی ترکمن که در ارتباط با حال و هوای پرخوانی است می‌باشد.

مقام‌هایی که در دستگاه نوایی^۱ نواخته می‌شوند برای نواختن و اجرا در مراسم پرخوانی انتخاب می‌شوند. طبق اظهارات پرخوان، صدای ساز دو تار باعث تجمع آجنه می‌شود و پرخوان در هنگام اجرای مراسم با مشاهده آن‌ها دارای نیروی فوق العاده شده و قادر به اجرای اعمال پرخوانی از قبیل چرخیدن، شمشیر کشیدن و ... می‌شود.

امروزه رجب پرخوان به جای دو تار، از نوای مقام‌های کهن موسیقی ترکمن بهره می‌برد و با شنیدن آن‌ها به انجام مراسم پرخوانی می‌پردازد!

از مقام‌هایی که ضبط نموده و آن‌ها را در هنگام مراسم پرخوانی می‌شنود می‌توان به کبترم، زلفینگ، قوباغازیم و بی بی جان که غالباً با صدای بخشی معروف ترکمنستان "دولت گلدی اکیدرف" اجرا شده‌اند، به اجرای پرخوانی می‌پردازد. مشاهده نگارنده حکایت از این داشت که پرخوان با آهنگ زلفینگ حرکات موزون و رقص گونه خود را شروع نمود و موقعی که در حین اجرای مراسم از خود بی خود و بیهوش بر زمین افتاد، با شنیدن مجدد این آهنگ، به هوش آمد، و به ادامه مراسم پرخوانی پرداخت.

دوتار نواز سابق رجب پرخوان "صالح آدینه پور" نام داشته است.

۱- در موسیقی تم‌های پنج گانه داریم که تاثیر هر کدام از آن‌ها در ضمیر باطن متنوع و رنگارنگ است که عبارتند از: تم‌های شیدایی، حزین، هیجانی (هیستریکال)، شاد و فرح بخش و آرام بخش. واژه شیدا در روانشناسی معرف سرخوشی و شور و نشاط بیش از حد است. سرخوشی، هیجان بخشی، احساس مدهوشی از خصوصیات تم‌های شیدایی است. شور و هیجان در این تم‌ها به صورت عاطفی درونی به چشم می‌خورد و احساسات شنونده را در بر می‌گیرد. حالات ادواری این تم‌ها با گردش‌های پیوسته و تکراری ریتمیک در وزن‌های خاصی به وجود می‌آید. بعضی از چهار ضرب‌ها و ضربی‌های موسیقی ایرانی استعداد القاء چنین حالتی را به خوبی دارا هستند. افراد مستعد با شنیدن چنین تم‌هایی احساس سرخوشی و وجد پیدا می‌کنند و با آن سیر می‌کنند و از خود بی‌خود می‌شوند. تم‌های شیدایی در صورت ترکیب مناسب می‌توانند احساساتی چون جوش و خروش، حس قدرت مندی، تحرک، مردم آمیزی و دگردوستی، شوکت و عظمت، رقص و پای کوبی، احساس کامیابی، التهاب و خون گرمی را به وجود آورند. "شیدا صفتان" غالباً با سیر در این تم‌ها احساس نشاط، تخیل و حالت جذبه پیدا می‌کنند. این تم‌ها وسیله‌ای برای تحریک درونی و شور زیاد آن‌هاست (اشمیت پترز، ۷۸: ۱۲۱).

به زعم گفته‌های پرخوان و نزدیکانش، هنگامی که دوتار نواز، نواختن خود را قطع نماید و یا صدای ضبط که در حال اجرا می‌باشد را خاموش نمایند، پرخوان بلافاصله به حال عادی بازگشته و دیگر قادر به ادامه مراسم نخواهد بود. به عبارت دیگر نوای دوتار یا آوای مقام‌های کهن، باعث دخول پرخوان به حال و هوای شیدایی می‌شود و این امر کارکرد موسیقی در این مراسم را نشان می‌دهد بنابراین موسیقی:

۱- باعث تسهیل ورود پرخوان به حالت شیدایی می‌شود.

۲- نقش کمکی در ادامه دادن مراسم توسط پرخوان را نیز بر عهده دارد، با این توضیح که نوای موسیقی باعث حفظ شور و شیدایی در پرخوان شده و هنگامی که این نوا و صدا قطع می‌شود، بلافاصله پس از آن پرخوان نیز از حالت شیدایی خارج و به حال عادی باز می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

به مجموعه فعالیت و مراسمی که با واسطه موسیقی (ساز، آواز یا ساز و آواز) سعی در درمان و معالجه بیماران مبتلا به ناراحتی‌های روحی و روانی و بیماران مبتلا به امراض بدنی دارد، موسیقی درمانی گفته می‌شود.

در دنیای کهن به نقش موسیقی در درمان امراض جسمی و ناملایمات روحی پی برده و با امتزاج باورها و اعتقادات در آیین‌ها و مراسم و کمک گرفتن از روش‌های روان درمانی به معالجه افراد روان پریش و بیماران جسمی می‌پرداختند. در عصر حاضر موسیقی درمانی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم درمانی به حساب می‌آید، که "موسیقی درمانگر" با کسب مهارت‌های تکنیکی و آموزش‌های لازم دانشگاهی به فعالیت در این زمینه می‌پردازد.

موسیقی درمانگرهای امروزی با تغییراتی در شیوه درمانی ادامه کار شمن‌ها در گذشته به حساب می‌آیند. شمن‌ها از تمام جادو پزشکان و حکیمان و ساحران و جن‌گیران و کاهنان جهان در این کار معروفترند و برای غلبه بر ارواح غیبی به کارهای عجیب و غریب می‌پردازند و بیماران را معالجه می‌کنند. شغل شمن این است که خود را (با کمک نوای موسیقی) چنان تهییج کند که به شیدایی و شوریده حالی روح جن زده برساند. به عبارت دیگر او باید خود را، هم از لحاظ میزان هوشیاری و هم از نظر نیرو، به حد سرمستی بالا برسد. و قتی به چنین مرحله‌ای از تفوق رسید، قدرت تسلط بر بعضی ارواح، بویژه ارواح بیماری‌زا و مرگ‌آور را پیدا می‌کند، آنگاه می‌تواند از طریق شیطان زده ساختن یا افسونکاری آن ارواح شریر را به درون مردم بفرستد و یا از راه جن‌گیری آن‌ها را از کالبد مردم بیرون راند (بی‌ناس، ۱۳۷۵: ۱۶).

آیین پرخوانی در میان ترکمن‌ها، بازمانده یکی از روش‌های موسیقی درمانی از دوران کهن است که پیشینه آن را می‌توان در تفکر شامانیسم جستجو کرد که پس از گرویدن ترکمن‌ها به اسلام، رنگ اسلامی به خود گرفته و با نام آیین پرخوانی به حیات خود ادامه داده است. مقصود از شامانیسم تصرف در قوای روحی و عینی جهان است که بوسیله یک نفر شمن این کار انجام می‌پذیرد. در پرخوانی آنچه مشهود است، هدف درمانی با کمک گرفتن از موسیقی، جادوی هومیوپاتیک (قانون شباهت)، به عنوان شاخه‌ای از جادوی همدلانه و حرکات بجا مانده از آیین شامانیسم برای رسیدن به مرتبه‌ی تنگری - Tangri - (خدای آسمان‌ها)، است.

در این مقاله سعی در ارائه و شناخت کارکردهای موسیقی در اجرای آیین پرخوانی

داشتیم که بدین منظور از نظریه کارکردگرایی (Functionalism) بهره می‌بریم.

فرهنگ مردم شناسی نظریه کارکرد گرایی را چنین تعریف می‌نماید: این فرضیه روش شناختی که بعداً بصورت آئین شبه فلسفی^۱ درآمد، عبارت از بررسی هر واقعه اجتماعی^۲ و هر نهاد^۳ در روابطش با کل هیئت اجتماعی^۴ است که خود جزء آن به شمار می‌رود.

کارکردگرایان تاکید بر این دارند که هر واقعه یا نهاد مورد بحث در صورتی که ارتباطات کاربردی آن با وقایع یا نهادهای دیگر قابل درک نشده باشد، مفهوم خود را ظاهر نمی‌سازد. به عنوان مثال فلان مناسک آیینی در صورتی که طریقه ارتباط آن با مسایل اقتصادی، سیاسی (یا درمانی) آشکار نشود، در فهم نخواهد گنجید. به این ترتیب کارکردش در سطوح مختلف معین شده و همچنین دلیل موجودیتش بیان می‌شود (پانوف و پرن، ۱۳۶۸: ۱۵۳).

با عنایت به تعریف فوق می‌توانیم نظریه کارکردگرایی را در زمینه موسیقی درمانی در جامعه ترکمن اعمال نماییم. بدین منظور طریقه ارتباط موضوع با مسئله درمانی را آشکار می‌سازیم تا این ارتباط دلیل موجودیت و کارکرد آن در سطوح مختلف باشد. بدین منظور ارتباط موسیقی ترکمن با زمینه درمانی آن بیان و پس از بررسی و معین نمودن علت‌ها دلیل موجودیت و عامل ماندگاری این نوع موسیقی طبق نظریه کارکردگرایی آشکار می‌شود.

بیانی دیگر درباره کارکردگرایی به تعبیر رادکلیف براون^۵، مفهوم فونکسیون را به رابطه بین ساختمان اجتماعی و شیوه‌های زندگی در اجتماع اطلاق نموده است. منظور وی از شیوه‌های زندگی در اجتماع، وسایلی است که به کمک آن‌ها مجموعه اجتماعی

۱. para-philosophique

۲. fait social

۳. institution

۴. corps social

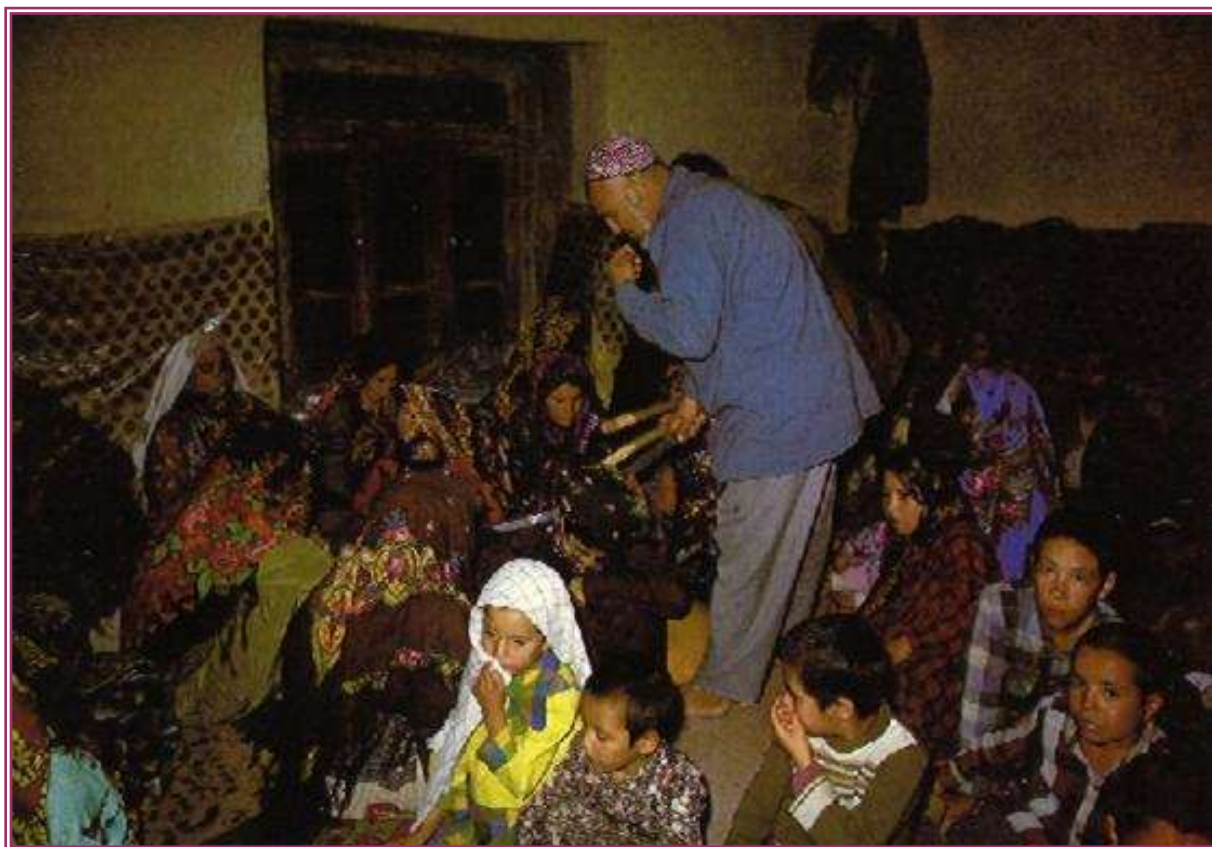
۵. Rodcliff Brown

قوام و خصوصیات خود را حفظ می‌کند. در اینجا است که پی می‌بریم موسیقی به عنوان یک وسیله (شیوه زندگی) به قوام زندگی اجتماعی (کلیت مراسم پرخوانی) و حفظ خصوصیت آن کمک و یاری می‌رساند و به دو روش مستقیم و غیر مستقیم به ایفای کارکرد درمانی در نزد افراد پریشان احوال و مبتلایان به بیماری‌های جسمی می‌پردازد.

البته همان گونه که می‌دانیم در این مکتب (کارکردگرایی) بیش از آن که به گذشته پدیده و سوابق تاریخی نظر شود، حال مورد نظر قرار می‌گیرد (سارو خانی، ۷۵: ۳۰۶). با وجود آن که در شکل امروزی اجرای مراسم تعدادی از مراحل آن منسوخ گشته و یا تغییراتی در شکل و نحوه اجرای مراسم پدید آمده و از نظر زمان و مکان اجرا نیز دستخوش تطور و تحول شده، با این حال در رعایت این ویژگی روش شناختی نظریه کارکرد گرایی سعی شد تا در مواردی که منسوخ گشته، با توجه و تبیین کارکردهای آن در گذشته و با بیان توضیح زمینه‌های تغییر و تحول از نظر شکلی و نحوه اجرا، زمان و مکان آن‌ها در زمان کنونی به ارائه دلایلی چند در زمینه علل منسوخ گشتن و تطورات آن - که غالباً در ارتباط با تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گروه قومی مورد مطالعه یعنی ترکمن‌ها می‌باشد - پردازیم. اما نکته حائز اهمیت در این میان، صرف‌نظر از تغییر شکل اجرایی آن، عدم تغییر نقش موسیقی بعنوان رکن اصلی اجرای مراسم است که از گذشته تا حال حاضر باقیمانده و تثبیت شده است.



تصویر ۷- نمایی از رجب پرخوان در حال انجام مراسم، (۱۳۸۴)



تصویر ۸- نمایی از اجرای رجب پرخوان در دهه ۶۰ خورشیدی

منابع

- اندروز، تد. موسیقی درمانی برای همه، آذر عمرانی گرگری، نشر روان، ۱۳۸۰.
- اشتری، بهروز. موسیقی و ترکمن، مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم شناسی، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۱.
- اشمیت پترز، ژاکلین. مقدمه‌ای بر موسیقی درمانی، علی زاده محمدی، ناشر مترجم ۱۳۷۱.
- بکری، عادل. پیوند طب و موسیقی در تمدن اسلامی، حسین علینقیان، فصلنامه ماهور، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲.
- بهانو، دارما. رواج موسیقی در دربار فرمان روایان ترک، افغان و هند، محمد رضا افشار، کتاب سال شیدا، کتاب خورشید، اردیبهشت ۱۳۷۸.
- پانوف، میشل؛ پرن، میشل. فرهنگ مردم شناسی (فرانسه، انگلیسی، فارسی)، اصغر عسکری خانقاه، نشر ویس، ۱۳۶۸.
- درویشی، محمدرضا. مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، دفتر نخست، مناطق جنوب (هرمزگان، بوشهر، خوزستان)، ۱۳۷۳.
- درویشی، محمدرضا. موسیقی و خلسه (ذکرهای مراسم گواتی بلوچستان)، ۱۳۷۹.
- درویشی، محمدرضا. آئینه و آواز، مجموعه مقالات درباره موسیقی ایرانی، واحد موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- درویشی، محمدرضا. کدام موسیقی؟ کدام درمان؟، فصلنامه ماهور، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۹.

- خوزینی، کاکا. موسیقی ترکمن، سوره، بچه‌های مسجد، شماره ۳۸، ویژه ترکمن صحرا، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ریاحی، آ. زار باد و بلوچ، تهران، ۱۳۵۶.
- ساعدی، غلامحسین. اهل هوا، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵.
- حقیقتی بروجنی، صمد. موسیقی درمانی، فصلنامه ماهور، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۰.
- مسعودیه، محمدتقی. موسیقی ترکمنی، آوا نویسی و تجزیه و تحلیل، موسسه فرهنگی - هنری ماهور، ۱۳۷۹.
- عناصری، جابر. مردم شناسی و روان شناسی هنری، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸.
- زاده محمدی، علی. فصلنامه موسیقی آهنگ، روان شناسی در کاربردهای موسیقی، شماره چهارم، تابستان ۱۳۶۸.
- سادات جوزی، نازنین. روزنامه ی زن، موسیقی درمانی در طب امروز، شماره ۷۳، ۹ آبان ۱۳۷۷.
- فریزر جیمز، جرج. شاخه زرین، کاظم فیروزمند، انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
- مصطفائی، نظر محمد. مقدمه‌ای بر موسیقی ترکمن، ناشر مولف، ۱۳۷۸.
- نصری اشرفی، جهانگیر. قلیچ تقانی آنه قربان، موسیقی ترکمنی، انجمن موسیقی ایران، ۱۳۷۴.
- نعمتیان، مسعود. فصلنامه موسیقی ماهور، جایگاه، کارکرد و روش‌های موسیقی درمانی، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۸.
- همشهری. سماع مولودی، چرخ زنان به سوی عرش، روزنامه شماره ۱۱۳۴، ۱۱ آذر ۱۳۷۵.

- نمایش. گوات، آیین شیدایی، مجله، شماره ۸، خرداد ۱۳۶۷.
- ساروخانی، باقر. درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
- بی‌ناس، جان. تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.